



سال یازدهم • بهار و تابستان ۱۴۰۴ • شماره ۲۲

Biannual Journal of Islamic Psychology

Vol. 11, No. 22, Spring & Summer 2025

مقیاس فرهنگ مهدویت: اصلاح و تجدیدنظر پرسش نامه باور به مهدویت

* فاطمه کثیری ماهوری

** نگین خیاط حصاری

*** اکرم حسین زاده

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی «مقیاس فرهنگ مهدویت»، اصلاح و تجدیدنظر پرسش نامه باور به مهدویت انجام گرفت. روش پژوهش از نظر رویکرد کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوا و در بخش میدانی از نوع اکتشافی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان بالای ۱۸ سال کشور ایران در سال ۱۴۰۲ بود. نمونه گیری به صورت در دسترس انجام گرفت. در مرحله بررسی پایایی (آلفای کرونباخ و بارآزمایی)، ۱۰۸ نفر شرکت کردند و در مرحله تحلیل عاملی، ۳۵۷ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. یافته ها نشان داد که شاخص های CVI و CVR در سطح مطلوب قرار داشتند. بدین ترتیب که CVI برای عامل های چهارگانه مقیاس با نظر نه متخصص مورد ارزیابی قرار گرفت که هر چهار عامل با اخذ CVI مناسب، تأیید شدند. CVR نیز برای ۴۸ گویه برآورد شد. ۴۰ گویه از ۴۸ گویه مقیاس فرهنگ مهدویت با CVR بالاتر از ۰/۷۸ مناسب تشخیص داده شد و هشت گویه با CVR نامناسب حذف گردید. با توجه به پاسخ های دریافتی چهار سؤال که اثر سقف داشتند و دو سؤال که آلفای نامناسب داشتند، حذف شدند. مقیاس نهایی شامل ۳۴ گویه و چهار عامل «ایمان و عملکرد مهدوی»، «شناخت امام»، «آگاهی از مبانی ارتباط با امام زمان در دوران غیبت» و «آگاهی به فلسفه غیبت و ظهور» بود که در مجموع ۴۲/۳۷ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ و ضرایب همبستگی گویه ها بالای ۰/۷ به دست آمد. در نتیجه، می توان گفت مقیاس فرهنگ مهدویت از روایی و پایایی مطلوب برخوردار است و ابزاری معتبر برای سنجش این سازه در بستر فرهنگی - مذهبی ایران محسوب می شود.

کلیدواژه ها: باور به مهدویت، فرهنگ مهدویت، انتظار ظهور، روان شناسی مثبت نگر، روان شناسی اسلامی، روان سنجی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** دانشجوی دکتری روان شناسی عمومی، گروه روان شناسی بالینی و عمومی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) n.khayat_hesari.psy@iauctb.ac.ir

*** کارشناس ارشد جامعه شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، تهران مرکز، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

مقدمه

امروزه ما در دنیا شاهد توسعه درمان‌های مراجع محوری هستیم که با هدف ارتقا بخشیدن به سلامت روان افراد، بر اساس مذهب و فرهنگ هر جامعه‌ای تدوین و مورد استفاده قرار می‌گیرند و تأثیرات مثبت این چنین بومی‌سازی‌هایی در مداخلات درمانی در مطالعات به اثبات رسیده است (رزمارین و کوئینگ،^۱ ۱۹۹۸؛ پارگامنت، اسمیت، کوئینگ و پرز،^۲ ۱۹۹۸؛ کوئینگ، جورج و پیترسن،^۳ ۱۹۹۸؛ کوئینگ، ۲۰۱۲؛ برگین،^۴ ۱۹۹۱؛ انیک، وست، کاردنو و میر،^۵ ۲۰۲۱؛ گرینر و اسمیت،^۶ ۲۰۰۶). همچنین مطالعات نشان می‌دهند که این تأثیرات مثبت هنگامی که درمان‌جویان مذهبی هستند به مراتب بیشتر است (گرینر و اسمیت، ۲۰۰۶). مطالعات نشان داده است که بومی‌سازی درمان‌ها بر اساس دین و فرهنگ گاهی اوقات تا چندین برابر اثرات درمان را افزایش می‌دهد (همان). لذا برای کمک به درمان افراد بالینی، حفظ و ارتقای سلامت روان در افراد غیربالینی، تمرکز بر این روش‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. سلامت افراد تحت تأثیر اعتقادات مذهبی و رفتارهای برآمده از آموزه‌های دینی آنهاست و مذهب یکی از راه‌های زندگی معنوی و کسب رضایت بیشتر از زندگی است (کوئینگ، ۲۰۰۲)؛ بنابراین بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به آن در جلسات درمان می‌تواند حتی به شکست درمان بیانجامد (کوئینگ، ۲۰۰۰). با توجه به اهمیت آنچه که اشاره گردید، در ایران نیز تلاش‌های بسیاری صورت پذیرفته است که با پرداختن به مفاهیم مذهبی و کاربرد آن در حوزه سلامت به افزایش اثربخشی و کارایی روش‌های درمانی افزوده می‌شود (شریفی‌نیا، ۱۳۹۲؛ سیفی گندمانی، ۱۳۹۵؛ جان‌بزرگی، ۱۳۹۴؛ پسندیده، ۱۳۹۵؛ هادیان فرد، ۱۳۹۶؛ نوفرستی، ۱۳۹۹). یکی از این مفاهیم مهم که مورد توجه قرار گرفته است، مهدویت و تأثیر ابعاد آن در حوزه سلامت است (مروج، ۱۳۸۸؛ پورسید آقایی، ۱۳۸۹؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۹۳؛ مرادی و قلمکاریان، ۱۳۹۳؛ سعدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵؛ قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹). امروزه اسنادی در دست است که نشان می‌دهد باور به مهدویت با سلامت روانی افراد رابطه مثبت و معناداری دارد (مروج، ۱۳۸۸؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۹۳؛ مرادی و قلمکاریان، ۱۳۹۳؛ سعدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین اخیراً نتایج مطالعات نشان می‌دهد که انتظار فعال منجی و به‌طور خاص انتظار ظهور

1. Rosmarin, D. H., & Koenig, H. G.

2. Pargament, K. I., Smith, B. W., Koenig, H. G. & Perez, L.

3. Koenig, H. G., George, L. K. & Peterson, B. L.

4. Bergin, A. E.

5. Anik, E., West, R. M., Cardno, A. G. & Mir, G.

5. Griner, D. & Smith, T. B.

امام مهدی علیه السلام می‌تواند به بهبود مؤلفه‌های روان‌شناسی بالینی^۱ و روان‌شناسی مثبت‌نگر^۲ بیانجامد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ خیاط حساری و همکاران، ۲۰۲۴؛ خیاط حساری و همکاران، ۲۰۲۵)؛ به‌طوری‌که نتایج حاصل از مداخلات روش‌های روان‌درمانی نوظهوری که بر پایه انتظار منجی تدوین گردیده‌اند، تأثیر انتظار منجی بر بهزیستی روان‌شناختی و پریشانی روان‌شناختی (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹)، بهبود کیفیت زندگی و زیرمقیاس‌های آن (خیاط حساری و همکاران، ۲۰۲۴) و کاهش افسردگی (خیاط حساری و همکاران، ۲۰۲۵) را به اثبات رسانده است.

لذا با توجه به اهمیت فرهنگ مهدویت و جایگاه آن در شکل‌دهی نگرش‌ها و رفتارهای فردی، پرداختن به این‌سازه می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ای طبیعی برای بررسی پژوهش‌های اخیر در حوزه روان‌شناسی مهدوی در نظر گرفته شود و پیوند منطقی بین یافته‌های مطالعات گذشته و نیاز به ابزارهای سنجش معتبر فراهم آورد. به بیانی دیگر بررسی مروری مطالعات در این حوزه نشان می‌دهد که در دهه اخیر توجه به مهدویت در روان‌شناسی افزایش یافته است؛ بنابراین با توجه به گسترش مطالعات در این حوزه به نظر می‌رسد نیازمند ابزارهای معتبر سنجش مؤلفه‌هایی همچون باور به مهدویت، فرهنگ مهدویت و سبک زندگی منتظرانه (خیاط حساری و همکاران، ۱۴۰۴) هستیم.

این در حالی است که در دو دهه اخیر، تنها ابزار در دسترس در این حوزه، مقیاسی است که در مطالعه‌ای پیمایشی با عنوان «بررسی باور به مهدویت در میان جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله تهرانی» به‌منظور سنجش سازه «باور به مهدویت» مورد استفاده قرار گرفته بود (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸). البته لازم به ذکر است که از پرسش‌نامه مذکور در مطالعاتی دیگر برای سازه‌های متنوع و متفاوت مهدوی، با نام‌های پرسش‌نامه فرهنگ مهدویت (یزدخواستی، ۱۳۹۱؛ سلیمان‌پور، ۱۴۰۰)، پرسش‌نامه فرهنگ انتظار (زروندی، ۱۳۹۴) و پرسش‌نامه تجدیدنظرشده انتظار فرج (مرادی و قلمکاریان، ۱۳۹۳) استفاده شده است.

این در صورتی است که به نظر می‌رسد هرچند مقیاس یادشده در زمان تدوین، ابزار مناسبی برای سنجش «باور به مهدویت» در مطالعات پیمایشی بوده است، اما استفاده از آن به همان شکل در مطالعات بعدی که به بررسی رابطه سازه‌های دیگر مهدویت و سلامت روان پرداخته‌اند (یزدخواستی، ۱۳۹۱؛ سلیمان‌پور، ۱۴۰۰؛ زروندی، ۱۳۹۴؛ مرادی و قلمکاریان، ۱۳۹۳)، از دقت پژوهشی کافی

برخوردار نبوده است؛ چراکه مقیاس مذکور تنها با هدف سنجش جایگاه «باور به مهدویت» در یک مطالعه پیمایشی تدوین شده بود و روشن است که مفاهیمی همچون «باور به مهدویت»، «فرهنگ مهدویت» و «انتظار فرج» سه مقوله‌ای با مبانی مشترک اما با تعاریف و شاخصه‌هایی کاملاً مجزا هستند؛ لذا در این بخش توصیف مختصر درباره تفاوت‌های نظری مفاهیم بالا ضروری به نظر می‌رسد. «باور» یک نگرش یا حالت ذهنی از داشتن موضع، برداشت یا نظر در مورد چیزی است؛ لذا «باور به مهدویت» برداشت یا نگرشی ذهنی درباره مهدویت است (سروستانی، ۱۳۸۵). در مقابل «فرهنگ» به مجموعه‌ای از عقیده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌هایی گفته می‌شود که یک جامعه آنها را مورد قبول قرار داده است و در این راستا «فرهنگ مهدویت» به مجموعه‌ای از آیین‌های اعتقادی، اخلاقی، معرفتی، فقهی و اجتماعی در حوزه مهدویت اشاره دارد که بر پایه آیات الهی و بر اساس روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بنا شده است (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۵؛ عظیمی، ۱۳۸۹). از طرفی «انتظار» پیش‌بینی ذهنی احتمال وقوع یک رویداد در آینده است، پس «انتظار فرج» نیز به معنای پیش‌بینی ذهنی ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آینده تعریف می‌شود (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۵؛ بنی‌هاشمی، ۱۳۸۶).

لذا همان‌طور که اشاره شد مرور مطالعات نشان می‌دهد پرسش‌نامه‌هایی که تا کنون در این حوزه به‌کار رفته‌اند، یا صرفاً برای سنجش باور به مهدویت طراحی شده‌اند و یا از یک ابزار واحد برای مطالعه سازه‌های دیگر در مهدویت استفاده شده‌اند؛ درحالی‌که تعاریف نظری این سازه‌ها با هم تفاوت دارند. جمع‌بندی اینکه با توجه به اهمیت فرهنگ مهدویت در شکل‌دهی نگرش‌ها و رفتارهای فردی و نقش آن در سلامت روان، مشاهده می‌شود که علی‌رغم مطالعات پیشین، ابزارهای موجود در این حوزه محدود و ناکافی هستند. در واقع این کمبود، دقت پژوهش‌های پیشین را محدود کرده و ضرورت وجود یک ابزار جامع و معتبر برای سنجش مؤلفه‌های مختلف فرهنگ مهدویت را آشکار می‌سازد. بنابراین هدف پژوهش حاضر تدوین و اعتباریابی مقیاس «فرهنگ مهدویت» با اصلاح و بازنگری گویه‌های موجود در پرسش‌نامه باور به مهدویت است تا بتواند به‌طور دقیق ابعاد فرهنگ مهدویت را بسنجد.

روش پژوهش

روش این پژوهش به لحاظ رویکرد، کیفی و از نوع تحلیل محتوا است. مطالعه در گام میدانی

اکتشافی است. روش بررسی پایایی در این مطالعه محاسبه آلفای کرونباخ و بازآزمایی است. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از تمام زنان و مردان بالای ۱۸ سال در ۲۲ شهر از ۱۸ استان کشور ایران در سال ۱۴۰۲. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت در دسترس بود. حجم نمونه در مراحل مقدماتی (تحلیل پایایی آلفای کرونباخ و بازآزمایی)، شامل ۱۰۸ نفر بود که ۸۰ نفر خانم و ۲۸ نفر از آنها را آقایان تشکیل می‌دادند. در مرحله تحلیل عاملی، نمونه‌گیری مجدد صورت گرفت که ۲۳۲ نفر خانم و ۱۲۵ نفر آقا بودند و شرکت‌کنندگان در مجموع ۳۵۷ نفر را شامل می‌شدند. انتخاب این حجم نمونه در مرحله نهایی از این رو بود که در مرحله تحلیل عاملی، لی و کامری توصیه کرده‌اند برای تحلیل عاملی مدل‌های پیچیده، حجم نمونه ۳۰۰ نفر یا بیشتر باشد (کامری و لی، ۲۰۱۳).

ابزار پژوهش

ابزار این پژوهش پرسش‌نامه باور به مهدویت (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸) با پنج عامل بود که عبارت‌اند از: «ایمان و باور قلبی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه»، «انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه»، «شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه»، «آگاهی از فلسفه غیبت» و «آگاهی از فلسفه ظهور». عامل اول و دوم، یعنی ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه هر کدام هفت پرسش با طیف پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، تاحدودی موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم) را دارا می‌بود که به ترتیب به آنها نمره (۱، ۲، ۳، ۴، ۵) تعلق می‌گرفت. پایایی آزمون از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای هر دو قسمت ۰/۸۰ به دست آمده بود.

عامل سوم، یعنی شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه برای سنجش میزان شناخت و آگاهی جوانان به آن حضرت تهیه گردیده بود. بر همین اساس ده پرسش طراحی گردیده بود که هر پرسش دارای چهار گزینه با یک گزینه صحیح بود. به پاسخ صحیح حداکثر امتیاز، یعنی یک نمره داده می‌شد و پاسخ‌های اشتباه حداقل امتیاز، یعنی صفر می‌گرفتند. برای محاسبه میزان شناخت هر آزمودنی پاسخ‌های صحیح آنها با هم جمع شده و در تحلیل آماری به کار می‌رفت.

عامل‌های چهارم و پنجم، یعنی آگاهی به فلسفه غیبت و آگاهی به فلسفه ظهور نیز هر کدام هشت عبارت در خصوص فلسفه غیبت و ظهور داشتند که از این هشت عبارت، عبارت (۲، ۶

و ۸) غلط بود و تنها پنج عبارت صحیح در بین آنها وجود داشت؛ بنابراین به هر پاسخ صحیح یک نمره تعلق می‌گرفت که حداقل نمره صفر و حداکثر پنج بود.

لازم به ذکر است که تدوینگران پرسش‌نامه «باور به مهدویت» در سه عامل «شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له»، «آگاهی از فلسفه غیبت» و «آگاهی از فلسفه ظهور»، با توجه به نوع پرسش‌ها و گزینه‌ها، صرفاً به تعیین روایی محتوایی پرسش‌ها پرداخته‌اند؛ لذا همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، تنها برای دو عامل نخست پایایی و ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده و برای سه عامل یادشده بررسی پایایی صورت نپذیرفته است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸).

افزون بر این، در تمامی پنج عامل پرسش‌نامه مذکور، روایی تنها در سطح صوری ارزیابی شده است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸)؛ از این‌رو همان‌گونه که در بخش مقدمه مقاله حاضر نیز به تفصیل بیان گردید، هدف اصلی پژوهش کنونی ارتقای ابزار موجود از طریق اصلاح، بازنگری و در نهایت ساخت و اعتباریابی مقیاس «فرهنگ مهدویت» بوده است.

شیوه اصلاح و تجدیدنظر پرسش‌نامه باور به مهدویت (ساخت و اعتباریابی مقیاس فرهنگ مهدویت)

این پژوهش شامل چند گام به شرح ذیل است:

گام اول: شامل مراحل ذیل می‌شود:

- مطالعه کتابخانه‌ای به‌منظور استخراج مؤلفه‌های فرهنگ مهدویت در منابع و متون مرتبط؛
- بازنگری پرسش‌نامه باور به مهدویت، استخراج و اصلاح گویه‌های متناسب با هدف پژوهشی جدید و حذف گویه‌های نامتناسب با فرهنگ مهدویت؛
- اصلاح گویه‌های غیراستاندارد چندگزینه‌ای در عامل سوم، یعنی «شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له» به طیف لیکرت دوگزینه‌ای؛
- اصلاح گویه‌های غیراستاندارد عامل چهارم و پنجم، یعنی «فلسفه غیبت» و «فلسفه ظهور» از پاسخ به گزینه بهتر به طیف لیکرت دوگزینه‌ای. عامل‌های «ایمان قلبی نسبت به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له»، «انتظار ظهور آن حضرت»، «شناخت امام»، «فلسفه غیبت» و «فلسفه ظهور» بر جای خود باقی ماندند.

گام دوم: با مشورت متخصصین حوزه مهدویت، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی عوامل پنج‌گانه به

چهار عامل تقلیل یافت؛ به این صورت که عامل چهارم «فلسفه غیبت» و پنجم «فلسفه ظهور» با هم ادغام شدند و به عنوان عامل چهارم، یعنی «آگاهی به فلسفه غیبت و ظهور» شناسایی شدند و مجموع گویه‌ها به ۴۸ گویه رسید.

گام سوم: شاخص روایی محتوایی^۱ (CVI) برای عامل‌های چهارگانه (لاوشه،^۲ ۱۹۷۵) و نسبت روایی محتوای (CVR)^۳ نیز برای ۴۸ گویه برآورد شد (والتز و بازل،^۴ ۱۹۸۱). بدین صورت که طبق این روش ابتدا متخصصان میزان مطابقت هر عامل را با مستندات در طیف لیکرتی چهارتایی از «۱: مربوط نیست»، «۲: نیاز به بازبینی اساسی»، «۳: مرتبط اما نیاز به بازبینی» تا «۴: کاملاً مربوط است» مشخص کردند و با تأیید چهار عامل نظر خود را اعلام نمودند. در این مرحله ۴۰ گویه از ۴۸ گویه مناسب تشخیص داده شد.

گام چهارم: پرسش‌نامه ۴۰ گویه‌ای حاصل از گام پیشین بر روی ۱۰۸ نفر شامل ۸۰ خانم و ۲۸ آقا اجرای مقدماتی گردید. روش نمونه‌گیری در شهرها به صورت دسترس و داوطلبانه از مراکز و اماکن عمومی، محیط‌های فرهنگی - آموزشی، کادر درمان، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی بود. با توجه به پاسخ‌های دریافتی چهار سؤال که اثر سقف داشتند و دو سؤال که آلفای کرونباخ آنها کمتر از ۰/۷ بود، حذف شدند و در نهایت تعداد ۳۴ سؤال باقی ماند. برای سؤالات با مقیاس پنج‌گزینه‌ای از آلفای کرونباخ و برای سؤالات دوگزینه‌ای از ضریب کدور - ریچاردسون ۲۰ (KR-20) استفاده شد.

گام پنجم: پس از گذشت دو هفته به منظور سنجش پایایی، بازآزمایی بر روی ۱۰۸ نفر صورت پذیرفت که ۱۰۱ داده در تحلیل بازآزمایی مورد استفاده قرار گرفت. تمام ضرایب همبستگی پس از بازآزمایی بالای ۰/۷ به دست آمد و چون در تمام موارد سطح معناداری زیر ۰/۰۵ حاصل شد ($p < 0.05$)؛ لذا همبستگی سؤالات پس‌آزمون با پیش‌آزمون معنادار است.

گام ششم: مقیاس ۳۴ گویه‌ای در نهایت بر روی ۳۵۷ نفر اجرا شد و نتایج تحلیل عاملی اکتشافی توسط نرم‌افزار SPSS۲۷ بررسی گردید. در این مرحله با توجه به نتایج تحلیل عاملی، عامل «انتظار ظهور» حذف گردید و عامل دیگری به نام «آگاهی از مبانی ارتباط با امام عصر (عج)» اکتشاف گردید. مقیاس نهایی شامل ۳۴ گویه آماده گردید.

1. Content Validity Index.

2. Lawshe, C. H.

3. Content Validity Ratio.

4. Waltz, C. F. & Bausell, B. R.

یافته‌های پژوهش

عامل‌ها و گویه‌های مقیاس فرهنگ مهدویت

در مرحله نخست، گویه‌های مقیاس فرهنگ مهدویت بر اساس ابزار پیشین و نظر متخصصان مورد بازنگری قرار گرفت؛ به گونه‌ای که برخی گویه‌ها اصلاح شدند، تعدادی به عوامل اضافه گردیدند و بخشی نیز کنار گذاشته شد؛ سپس روایی محتوایی مقیاس بررسی شد؛ نسبت روایی محتوایی (CVR) برای ۴۸ گویه محاسبه شد که ۴۰ گویه مقدار بالاتر از ۰/۷۸ داشتند و ۸ گویه نامناسب حذف گردید. همچنین شاخص روایی محتوایی (CVI) برای چهار عامل اصلی با نظر نه متخصص بررسی شد که نتایج نشان داد همه عوامل از روایی مطلوب برخوردارند. در نهایت، با ادغام دو عامل «فلسفه غیبت» و «فلسفه ظهور»، ساختار پرسش‌نامه در قالب ۴ عامل و ۴۰ گویه تثبیت و برای اجرای نهایی آماده گردید.

ارزیابی پایایی با روش آلفای کرونباخ

در این مرحله ۴۰ سؤال تأییدشده مرحله پیشین وارد پایلوت شده و به ۱۲۴ نفر ارائه گردید که تعداد ۱۰۸ پاسخ دریافت شد. با توجه به پاسخ‌های دریافتی چهار سؤال که اثر سقف داشتند و دو سؤال که آلفای نامناسب داشتند، حذف شدند و تعداد ۳۴ سؤال برای گام بازآزمایی در نظر گرفته شد. نتایج ارزیابی پایایی با روش آلفای کرونباخ در جدول ۱ آمده است.

روشنایی

۱۰۸

جدول ۱: نتایج ارزیابی پایایی با روش آلفای کرونباخ

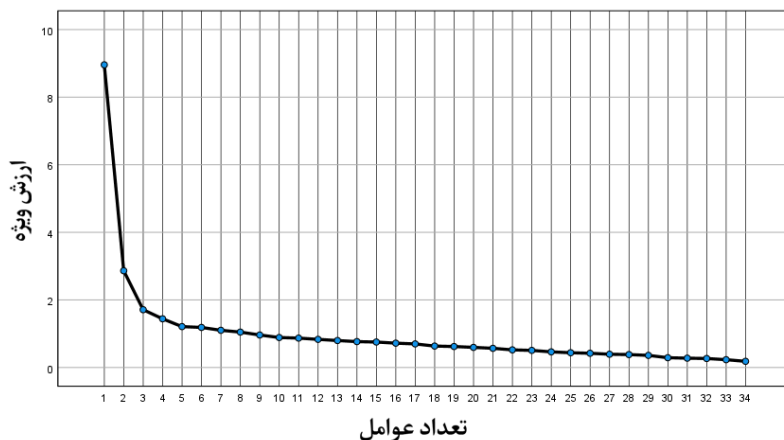
عامل ۱ با آلفای کرونباخ ۰/۹۲۹	عامل ۲ با آلفای کرونباخ ۰/۹۵۵	عامل ۳ با آلفای کرونباخ ۰/۷۳۵	عامل ۴ با آلفای کرونباخ ۰/۷۱۸
گویه‌ها	گویه‌ها	گویه‌ها	گویه‌ها
آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ
گویه (بعد از حذف)	گویه (بعد از حذف)	گویه (بعد از حذف)	گویه (بعد از حذف)
۱	۱۰	۱۷	۲۹
۰/۹۱۳	۰/۹۵۳	۰/۷۳۱	۰/۶۸۷
۲	۱۱	۱۸	۳۰
۰/۹۱۱	۰/۹۴۰	۰/۷۲۳	۰/۷۲۲
۳	۱۲	۱۹	۳۱
۰/۹۱۸	۰/۹۴۳	۰/۶۹۱	۰/۶۸۰
۴	۱۳	۲۰	۳۲
۰/۹۲۸	۰/۹۴۵	۰/۷۳۳	۰/۶۶۰
۵	۱۴	۲۱	۳۳
۰/۹۱۹	۰/۹۵۶	۰/۷۱۶	۰/۶۴۷
۶	۱۵	۲۲	۳۴
۰/۹۳۳	۰/۹۴۳	۰/۷۰۴	۰/۶۷۴
۷	۱۶	۲۳	
۰/۹۲۱	۰/۹۵۱	۰/۷۰۸	
۸		۲۴	
۰/۹۱۷		۰/۷۱۲	
۹		۲۵	
۰/۹۲۲		۰/۷۱۱	
		۲۶	
		۰/۷۳۵	
		۲۷	
		۰/۷۱۷	
		۲۸	
		۰/۷۲۷	
			۰/۹۴۴
			آلفای کرونباخ کل

ارزیابی پایایی با روش بازآزمایی

با توجه به نتایج به دست آمده تمام ضرایب همبستگی پس از بازآزمایی بالای ۰/۷ بوده و چون در تمام موارد سطح معناداری زیر ۰/۰۵ بوده است ($p < 0.05$)؛ لذا همبستگی سؤالات در آزمون بازآزمایی معنادار است.

تحلیل عاملی اکتشافی

مقیاس فرهنگ مهدویت به ۲۳۰ نفر ارائه شد و تعداد ۳۵۷ پاسخ دریافت گردید. با تحلیل عاملی اکتشافی، با توجه به واریانس گویه‌ها هشت عامل به دست آمد، اما با بررسی نمودار سنگ‌ریزه در شکل ۱ و تحلیل موازی با استفاده از نرم‌افزار موتا کارلویی سی ای^۱ و مقایسه نتایج آن با جدول واریانس کل تبیین شده^۲، تنها چهار عامل به دست آمده است که در مقایسه با نمودار سنگ‌ریزه مشاهده شد که این نمودار نیز چهار عامل را تأیید می‌کند.



شکل ۱: نمودار سنگ‌ریزه برای تعیین تعداد عوامل در مقیاس فرهنگ مهدویت

در جدول ۲، نتایج مقیاس فرهنگ مهدویت آمده است.

1. Monte Carlo PCA for Parallel Analysis.

2. Total Variance Explained.

جدول ۲: نتایج مقیاس فرهنگ مهدویت

شماره گویه	گویه‌ها	بار عاملی	مقدار ارزش ویژه	درصد واریانس تبیین شده
۱	ایمان و عملکرد مهدوی	احساس می‌کنم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له حاضر و ناظر من است.	۰/۷۰۳	۲۳/۰۰۷
۲	یاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له موجب آرامش و امید به آینده در من است.	۰/۸۲۸		
۳	برای رسیدن به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له بی‌قرار هستم.	۰/۷۶۳		
۴	دل‌تنگ زیارت مسجد جمکران هستم.	۰/۶۸۸		
۵	منتظران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له انسان‌های وارسته و پاکی هستند.	۰/۵۵۶		
۶	طولانی شدن غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له باعث ناامیدی من از ظهور ایشان نشده است.	۰/۳۴۶		
۷	دعاهای رادیو و تلویزیون برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد.	۰/۶۳۶		
۸	در برگزاری مناسبت‌های مربوط به نیمه‌شعبان و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له مشارکت فعال دارم.	۰/۶۲۶		
۹	در برنامه‌ها و کلاس‌های مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له شرکت می‌کنم.	۰/۶۸۸		
۱۰	در قنوت یا بعد از نماز و در طول روز دعای فرج را می‌خوانم.	۰/۶۶۰		
۱۱	انتظار فرج موجب تعمیق روحیه تعاون و همبستگی مسلمانان است.	۰/۶۸۳		
۱۲	به امید پذیرش در پیشگاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له درصدد اصلاح رفتارها و بهتر بودن می‌باشم.	۰/۷۶۲		
۱۳	آرزوی من این است که در رکاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له شهید شوم.	۰/۷۶۲		
۱۴	به‌عنوان یک مسلمان به وظایف خود نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه له در عصر غیبت عمل می‌کنم.	۰/۶۴۱		
۱۵	برای اینکه از منتظران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له باشم تلاش می‌کنم.	۰/۸۰۶		
۱۶	وقتی کار مثبت و مفیدی برای ظهور از من سر می‌زند احساس خوبی دارم.	۰/۷۲۸		
۱۷	امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له در شهر سامرا به دنیا آمده است.	۰/۵۱۱	۲/۷۵۷	۸/۱۱۰
۱۸	در روایات معصومین: از امام زمان عجل الله تعالی فرجه له به «خورشید پشت ابر» یاد شده است.	۰/۵۴۰		
۱۹	در زیارت عاشورا «امام منصور» امام زمان عجل الله تعالی فرجه له است.	۰/۵۰۰		
۲۰	در زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له حضرت عیسی علیه السلام ایشان را یاری خواهند داد.	۰/۴۹۸		
۲۱	«مهدی» از جمله لقب‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه له است؛ درحالی‌که ایشان هم نام رسول الله صلی الله علیه و آله هستند.	۰/۳۷۷		
۲۲	امام رضا عجل الله تعالی فرجه له در حدیثی به شیعیان آموزش داده‌اند که در زمان یاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له با نام «قائم» از جای خود به نشانه ادب برخیزند.	۰/۵۳۶		

شماره گویه	گویه‌ها	بار عاملی	مقدار ارزش ویژه	درصد واریانس تبیین شده
۲۳	امام زمان علیه السلام در زمان غیبت صغری چهار نائب داشتند.	۰/۶۴۲		
۲۴	وجه اشتراک امام مهدی علیه السلام با حضرت یوسف علیه السلام ناشناس بودنشان است.	۰/۵۵۴	۲/۰۳۲	۵/۹۹۴
۲۵	۱۰. بنا به فرمایش امام هادی علیه السلام ، برای گفتن حاجتمان به امام علیه السلام کافی است حرف بزیم و جواب خواهد آمد.	۰/۴۵۹		
۲۶	امام زمان علیه السلام در زمان غیبت کبری نائب خاص ندارند.	۰/۵۴۹		
۲۷	طبق فرمایش امام مهدی علیه السلام ، هرکسی قبل از صیحه آسمانی مدعی ارتباط با امام مهدی علیه السلام شود دروغ گو و تهمت زننده است.	۰/۵۷۷		
۲۸	بنا به فرمایش امام مهدی علیه السلام شیعیان باید در حوادث دوران غیبت به راویان احادیث امامان مراجعه کنند.	۰/۵۱۲		
۲۹	غیبت زمینه‌ای برای آزمایش نحوه عملکرد مردم است.	۰/۳۶۶	۱/۷۹۰	۵/۲۶۵
۳۰	اراده خداوند بر غیبت امام زمان علیه السلام است و کسی از دلیل اصلی آن خبر ندارد.	۰/۴۳۴		
۳۱	ظلم‌هایی که به دیگر ائمه شد باعث غیبت امام مهدی علیه السلام گردید.	۰/۳۸۵		
۳۲	یکی از دلایل ظهور اجرا شدن دین خدا بر روی کل کره زمین است.	۰/۵۷۵		
۳۳	وعده ظهور منجی در تمام ادیان توحیدی آمده است.	۰/۳۶۲		
۳۴	در زمان دولت کریمه امام مهدی علیه السلام تمام مردم زمین در سایه امنیت و رفاه بندگی خواهند کرد.	۰/۴۰۶		

بر اساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی (جدول ۲)، گویه‌هایی که دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۳۰ بودند مورد تأیید قرار گرفتند و در مجموع ۳۴ گویه در چهار عامل جای گرفتند. عامل نخست شامل ۱۶ گویه مربوط به ایمان قلبی و انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام بود که تحت عنوان «ایمان و عملکرد مهدوی» نام‌گذاری شد. عامل دوم متشکل از ۷ گویه مرتبط با شناخت حضرت مهدی علیه السلام بود که عنوان «شناخت حضرت مهدی علیه السلام» برای آن حفظ گردید. پنج گویه دیگر از حوزه شناخت در عامل جدیدی بارگذاری شدند که به دلیل محتوای آنها و بر اساس نظر متخصصان، «آگاهی از نحوه ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام» نامیده شد.

در نهایت، شش گویه مربوط به آگاهی از فلسفه ظهور و غیبت در یک عامل ادغام شدند که تحت عنوان «آگاهی از فلسفه ظهور و غیبت» معرفی گردید. این چهار عامل چارچوب نهایی مقیاس فرهنگ مهدویت را تشکیل دادند.



جدول ۲ نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس فرهنگ مهدویت را نشان می‌دهد. در این جدول، ۳۴ گویه با بار عاملی بالاتر از ۰/۳۰ به چهار عامل نهایی جایگزاری شده‌اند. ستون‌های جدول شامل نام گویه‌ها، مقدار بار عاملی، ارزش ویژه هر عامل و درصد واریانس تبیین شده توسط هر عامل است. این جدول به روشن شدن ساختار مقیاس و نحوه توزیع گویه‌ها در عوامل مختلف کمک می‌کند.

پس از تأیید گویه‌ها و عوامل، پایایی درونی چهار عامل به صورت جداگانه محاسبه شد. نتایج نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای عامل «ایمان و عملکرد مهدوی» برابر با ۰/۹۲۹، برای «شناخت امام زمان (عجله الله تعالی فرجه‌ه)» برابر با ۰/۹۵۵، برای «آگاهی از فلسفه غیبت و ظهور» برابر با ۰/۷۳۵ و برای «آگاهی از مبانی ارتباط با امام عصر (عجله الله تعالی فرجه‌ه)» برابر با ۰/۷۱۸ به دست آمد. این ضرایب نشان‌دهنده پایایی درونی قابل قبول عوامل مقیاس هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر ساخت و اعتباریابی مقیاس فرهنگ مهدویت بود. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که این مقیاس از چهار عامل اصلی تشکیل شده است: «ایمان و عملکرد مهدوی»، «شناخت امام زمان (عجله الله تعالی فرجه‌ه)»، «آگاهی از مبانی ارتباط با امام عصر (عجله الله تعالی فرجه‌ه) در زمان غیبت» و «آگاهی از فلسفه ظهور و غیبت». هریک از این عوامل به خوبی توانستند ابعاد مختلف فرهنگ مهدویت را بازنمایی کنند و تصویری چندبعدی از این سازه فراهم سازند. در ادامه، هریک از این عوامل مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. ایمان و عملکرد مهدوی: این عامل گسترده‌ترین بعد مقیاس است و شامل مجموعه‌ای از باورها، عواطف و رفتارهایی است که نشان‌دهنده پیوند قلبی و عملی فرد با امام مهدی (عجله الله تعالی فرجه‌ه) است. احساس حضور و نظارت امام، امید به آینده، مشارکت در مراسم و فعالیت‌های مذهبی، و عمل به وظایف دینی در عصر غیبت از شاخص‌های این عامل هستند. چنین مؤلفه‌هایی بیانگر آن است که فرهنگ مهدویت تنها یک نظام شناختی نیست، بلکه در لایه‌های هیجانی و رفتاری نیز بروز پیدا می‌کند؛ بنابراین ایمان و عملکرد مهدوی نقش بنیادینی در بازتولید اجتماعی فرهنگ مهدویت دارد و می‌تواند در شکل‌گیری هویت دینی افراد به عنوان یک پشتوانه قوی عمل کند.

۲. شناخت امام زمان (عجله الله تعالی فرجه‌ه): این عامل شامل آگاهی‌های تاریخی، روایی و معرفتی درباره

شخصیت امام مهدی علیه السلام است؛ دانشی که هم در منابع دینی و هم در آموزش‌های مذهبی رسمی بازتاب یافته است. وجود این عامل نشان می‌دهد که بخشی از فرهنگ مهدویت در گرو دانسته‌های دقیق و معتبر درباره جایگاه امام است. به بیان دیگر، شناخت صحیح زمینه‌ساز ایمان عمیق‌تر و عمل آگاهانه‌تر خواهد بود. از آنجاکه بخشی از گویه‌های شناختی در این عامل باقی ماندند و همبستگی درونی مناسبی نشان دادند، می‌توان گفت این بعد پشتوانه‌ای معرفتی برای سایر ابعاد فرهنگ مهدویت است.

۳. آگاهی از مبانی ارتباط با امام زمان علیه السلام در دوران غیبت: این عامل نوظهور در مقیاس حاضر، یکی از دستاوردهای مهم پژوهش است. گویه‌های این عامل به نحوه صحیح ارتباط‌گیری با امام زمان علیه السلام در دوران غیبت کبری اشاره دارند؛ از جمله لزوم مراجعه به روایان حدیث و نفی ادعاهای ارتباط مستقیم. چنین آگاهی‌ای نشان می‌دهد که فرهنگ مهدویت صرفاً محدود به شناخت تاریخی یا عاطفه مذهبی نیست، بلکه جنبه‌ای هنجاری و راهبردی نیز دارد که می‌تواند مانع انحرافات اعتقادی شود. اهمیت این عامل به‌ویژه در شرایطی برجسته است که برخی جریان‌ها ممکن است از نام امام برای مشروعیت‌بخشی به ادعاهای شخصی سوءاستفاده کنند؛ بنابراین شناسایی و اعتباریابی این بعد از فرهنگ مهدویت ارزش‌افزوده قابل توجهی نسبت به ابزارهای پیشین دارد.

۴. آگاهی از فلسفه ظهور و غیبت: این عامل به تبیین حکمت‌های الهی و اجتماعی مربوط به غیبت و ظهور می‌پردازد. در این بعد، مفاهیمی همچون آزمایش انسان‌ها در عصر غیبت، وعده برپایی عدالت جهانی، و پیوند ظهور با تحقق کامل دین خداوند بر زمین مطرح می‌شود. چنین مؤلفه‌هایی بُعدی عمیق‌تر از فرهنگ مهدویت را آشکار می‌کنند که به فهم فلسفی و الهیاتی این موضوع مربوط است. اهمیت این عامل در آن است که به پیروان کمک می‌کند تا غیبت را نه یک فقدان، بلکه فرصتی برای رشد، آمادگی و خودسازی بدانند. از این منظر، آگاهی از فلسفه ظهور و غیبت می‌تواند پشتوانه‌ای نظری برای استمرار ایمان و انتظار فعال در سطح فردی و اجتماعی باشد. پس از تبیین این چهار عامل، مقایسه با پژوهش‌های پیشین ضرورت می‌یابد. ابزار اولیه حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) صرفاً به سنجش «باور به مهدویت» محدود بود و در آن ابعاد قلبی، عملی و شناختی با قالب‌هایی ناهمگون (طیف لیکرت و پرسش‌های چهارگزینه‌ای) بررسی

می‌شد. اگرچه این مقیاس نخستین گام مهم در حوزه سنجش مهدویت محسوب می‌شد، اما همان‌گونه که در پژوهش‌های بعدی نیز مشاهده گردید (مرادی و قلمکاریان، ۱۳۹۳؛ زروندی، ۱۳۹۴؛ سلیمان‌پور، ۱۴۰۰؛ یزدخواستی، ۱۳۹۱)، استفاده پژوهشگران از این ابزار با محدودیت‌ها و ناهماهنگی‌های مفهومی روبه‌رو بود. برخی محققان تنها بخشی از آن را به‌کار گرفتند، برخی نام آن را تغییر دادند و برخی نتایج آن را معادل فرهنگ مهدویت یا انتظار فرج دانستند؛ درحالی‌که چنین هم‌پوشانی‌ای از نظر مفهومی درست نبود.

مطالعه حاضر با بازنگری در مقیاس اولیه و طی مراحل کیفی و کمی، ابزاری منسجم‌تر و همخوان‌تر با تعریف نظری فرهنگ مهدویت ارائه داد. تفاوت اصلی این پژوهش با کار حسین‌زاده در آن است که مقیاس حاضر نه صرفاً باور به مهدویت، بلکه طیفی چندبعدی از ایمان، شناخت، آگاهی ارتباطی و فلسفی را در قالب چهار عامل مشخص و پایا پوشش می‌دهد. بدین ترتیب، این مقیاس می‌تواند نمایانگر فرهنگ مهدویت در معنای جامع‌تر آن باشد و درعین حال مرز مفهومی خود را با «انتظار فرج» و «باور به مهدویت» حفظ نماید.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ مهدویت مفهومی چندلایه است که در چهار بعد اصلی قابل سنجش است. این نتیجه می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آتی در حوزه روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دینی و مطالعات مهدوی قرار گیرد.

محدودیت‌ها و پیشنهادات: از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، استفاده از نمونه‌گیری در دسترس و تمرکز بر شهرهای ایران بود که تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به سایر جوامع اسلامی محدود می‌کند؛ همچنین برخی گویه‌ها به دلیل آگاهی عمومی در فرهنگ شیعه دوازده امامی ایران، اثر سقف نشان دادند و حذف گردیدند؛ بنابراین بازنگری و بازآزمایی این گویه‌ها در سایر فرهنگ‌ها و کشورها می‌تواند به غنای ابزار کمک کند.

در واقع سؤالاتی که با اثر سقف حذف شدند، گویه‌هایی راجع به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه بودند که با توجه به مذهب رسمی کشور ایران که شیعه دوازده امامی است، آگاهی نسبت به آنها اطلاعات عمومی به حساب می‌آیند؛ چراکه در محتواهای آموزشی، رسانه‌ای، مراسم و مناسبت‌های مختلف کشور، اطلاعاتی همچون نام مادر حضرت، نام پدر ایشان یا تاریخ میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به کرات ارائه می‌شود و احتمالاً به شکل اطلاعات زمینه‌ای ایرانیان درآمده است.

بنابراین نمی‌توان پاسخ به این قسم از گویه‌ها را در ایران سنجشی از فرهنگ مهدوی محسوب کرد؛ لذا پیشنهاد می‌شود چنانچه در آینده پرسش‌نامه فرهنگ مهدویت برای دیگر مسلمانان جهان نیز طراحی و اصلاح گردید، سؤالات حذف‌شده با اثر سقف در این پژوهش، مجدداً در نظر گرفته شده و لزوم وجود آنها در مقیاس جدید مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین بررسی روایی هم‌گرا و واگرا با مقیاس‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر (مانند امید و معنا در زندگی) و روان‌شناسی آسیب (مانند افسردگی و اضطراب) می‌تواند کارایی بالینی ابزار را تقویت کند. به‌علاوه، مطالعات طولی و مداخله‌ای بر اساس این مقیاس می‌تواند نشان دهد که تغییر در فرهنگ مهدویت چگونه بر سلامت روان و سبک زندگی منتظرانه اثرگذار است.

منابع

بنی‌هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۶). سلوک منتظران. تهران: منیر
پسندیده، عباس (۱۳۹۸). الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا. قم:
دارالحديث.

پسندیده، عباس (۱۳۹۵). پایه نظری رضامندی بر اساس منابع اسلامی؛ بازسازی و بسط نظریه
پیشین. پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۲(۳)، ۴۰ - ۷۷.
پورسیدآقایی، زهراسادات (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی شخصیت انسان منتظر با شخصیت سالم از
دیدگاه روان‌شناسی کمال. مشرق موعود، ۳(۱۲)، ۱۰۷ - ۱۲۷.
جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۴). اصول روان در مان‌گری چندبعدی معنوی. پژوهش‌نامه روان‌شناسی
اسلامی، ۱(۱)، ۹ - ۴۵.

حسین‌زاده، اکرم؛ تقی‌زاده، محمداحسان و همایی، رضا (۱۳۸۸). بررسی باور به مهدویت در میان
جوانان ۱۵ - ۲۹ ساله تهرانی، مشرق موعود، ۳(۱۲)، ۱۲۹ - ۱۵۰.

خیاط حصارى، نگین؛ کثیری ماهوری، فاطمه و فتاح‌زاده، میرفرخ (۱۴۰۴). ساخت و اعتباریابی
مقیاس میزان انتظار ظهور امام مهدی؟ عیح؟. مشرق موعود، ۱۹(۱)، ۱۲۶ - ۱۵۱.

زروندی، نفیسه؛ زروندی، جواد و خنیفر، حسین (۱۳۹۴). تحلیلی دینی بر فرهنگ انتظار در
جامعه زمینه‌ساز ظهور (بررسی موردی در میان دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی ناحیه ۴ شهر

شیراز). مشرق موعود، ۹(۳۵)، ۸۳ - ۱۰۰.

شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۵). انتظار بایدها و نبایدها. تهران: موعود عصر.

سعدی‌پور، اسماعیل؛ دلاور، علی؛ چیناوی، علی و سلم‌آبادی، مجتبی (۱۳۹۴). اثربخشی تعالیم

مهدوی بر بهزیستی روان‌شناختی و جهت‌گیری زندگی. دین و سلامت، ۳(۲)، ۱۹ - ۲۸.

سلیمان‌پور عمران، محبوبه؛ قلی‌پور، مریم و سیاح، مجتبی (۱۴۰۰). بررسی تأثیر آموزش دوره

سبک زندگی منتظرانه بر فرهنگ اعتقاد به مهدویت دانش‌آموزان متوسطه. پژوهش در مسائل

تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹(۵۲)، ۱۰۸ - ۱۳۳.

سیفی گندمانی، محمدیاسین؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ علیپور، احمد و علی‌اکبری دهکردی، مهناز

(۱۳۹۵). اثربخشی روان‌درمانگری اسلامی مبتنی بر کیفیت زندگی بر افسردگی و کیفیت زندگی

دانشجویان (دختر و پسر) افسرده دانشگاه پیام نور استان چهارمحال و بختیاری. طلوع بهداشت،

۱۵(۱)، ۲۲۴ - ۲۳۹.

شریفی‌نیا، محمدحسین و غروی، سیدمحمد (۱۳۹۲). الگوهای روان‌درمانی یکپارچه با معرفی

درمان یکپارچه توحیدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

عظیمی، کاظم (۱۳۸۹). درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن. دین و ارتباطات، ۱۷(۳۷) -

۳۸(۳)، ۱۴۱ - ۱۶۸.

عمادی، عبدالله (۱۳۸۸). نقش روان‌شناسی در دولت زمینه‌ساز ظهور. مشرق موعود، ۳(۱۱)، ۸۱ -

۱۰۰.

قاسمی، زهرا؛ سجادیان، ایلناز؛ نادری، محمدعلی و ذوالفقاری، شهاب‌الدین (۱۳۹۸). اثربخشی

بسته روان‌شناختی انتظارمحور مبتنی بر آموزه‌های مهدویت بر بهزیستی روان‌شناختی و پریشانی

روان‌شناختی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۳(۳)،

۲۱ - ۱۲.

کلاتری، مهرداد؛ روشن چلسی، رسول و صدرمحمدی، رضوان (۱۳۹۳). بررسی تأثیر انتظار امام

مهدی عجل‌الله‌تعالی بر سلامت ذهن و کیفیت زندگی دانشجویان. مشرق موعود، ۸(۳۰)، ۱۳۵ - ۱۴۶.

مرادی، اعظم و قلم‌کاریان، سیدمحمد (۱۳۹۳). پیش‌بینی میزان انتظار فرج بر اساس امید،

خوش‌بینی و منبع کنترل در دانشجویان. مشرق موعود، ۸(۲۹)، ۱۶۵ - ۱۸۱.

مروج، سیده فائزه (۱۳۸۸). بررسی تأثیر آموزه‌های مذهبی (مبتنی بر انتظار فرج) بر سلامت روان، شادکامی و امید دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان‌نامه ارشد رشته روانشناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.

موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۵). مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف. قم: مسجد مقدس جمکران.

نوفروستی، اعظم؛ روشن چسلی، رسول؛ فتی، لادن؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا و پسندیده، عباس (۱۳۹۷). نتایج مقدماتی روان‌درمانی مثبت‌گرای توسعه‌یافته مبتنی بر خیرباوری در افزایش شادکامی، رضایت از زندگی و بهزیستی روان‌شناختی در افراد افسرده غیربالینی. روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۱۶(۱) ۷ - ۲۰.

هادیان فرد، حبیب و عماد، یاسمن (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر افسردگی با تأکید بر مفاهیم اسلامی. ادیان و عرفان، ۵۰(۲)، ۲۶۷ - ۲۹۲.

یزدخواستی، علی؛ امینی، محمد؛ رحیمی، حمید و غفاری ایرانی، ساره (۱۳۹۱). بررسی وضعیت فرهنگ مهدویت بین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر قم. مشرق موعود، ۶(۲۳)، ۱۳۳.

۱۱۷

Anik, E., West, R. M., Cardno, A. G. & Mir, G. (2021). Culturally adapted psychotherapies for depressed adults: a systematic review and meta-analysis. *Journal of affective disorders*, 278, 296-310 .

Bergin, A. E. (1991). Values and religious issues in psychotherapy and mental health. *American psychologist*, 46(4), 394-403.

Comrey, A. L. & Lee, H. B. (2013). *A first course in factor analysis*. New York, Psychology press.

Griner, D. & Smith, T. B. (2006). Culturally adapted mental health intervention: A meta-analytic review. *Psychotherapy: Theory, research, practice, training*, 43(4), 531-48.

Khayat Hesari, N., Mousavi, S. F., Vahidi, Z., Asghari Nami, F., Mohammadzadeh, A. & Kasiri Mahouri, F. (2024). The effectiveness of Religious Savior-Centered Psychotherapy on quality of life in depressed women. *Mental Health, Religion & Culture*, 27(7), 696-720.

Khayat Hesari, N., Mousavi, S. F. & Kasiri Mahouri, F. (2025). Religious savior-centered psychotherapy for depression: a focus on women's well-being. *Journal of Spirituality in*

- Mental Health*, 27(3), 435-456.
- Koenig, H. G., George, L. K. & Peterson, B. L. (1998). Religiosity and remission of depression in medically ill older patients. *American Journal of Psychiatry*, 155(4), 536-542.
- Koenig, H. G. (2000). Religion, spirituality, and medicine: Application to clinical practice. *Jama*, 284(13), 1708-1708.
- Koenig, H. G. & Cohen, H. J. (Eds.). (2002). *The link between religion and health: Psychoneuroimmunology and the faith factor*. Oxford, Oxford University Press.
- Koenig, H. G., King, D. & Carson, V. B. (2012). *Handbook of religion and health*. Oxford, Oxford University Press
- Pargament, K. I., Smith, B. W., Koenig, H. G. & Perez, L. (1998). Patterns of positive and negative religious coping with major life stressors. **Journal for the Scientific Study of Religion**, 37(4), 710–724.
- Rosmarin, D. H., & Koenig, H. G. (Eds.). (1998). *Handbook of religion and mental health*. San Diego, Ca: Academic Press.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(4), 563-575.
- Waltz, C. F. & Bausell, B. R. (1981). *Nursing research: design statistics and computer analysis*. Philadelphia, PA: F.A. Davis.

